



## مروری بر بعد اقتصادی حج

محمد تقی رهبر

جلب نظر می‌کند و اسلام با نگرش ویژه خود به مسأله حجّ و نقش تعیین کننده آن در عزّت و عظمت امت و با توجّه به ضرورت توانمندی اقتصادی در دست‌یابی به استقلال و اقتدار مسلمین برای امور معیشتی و اقتصادی و تجاری در موسم، راهکارهایی را گشوده است که آیات و روایات فقه و سیره اسلامی بیانگر آن می‌باشد.

کنگره جهانی حج، دربرگیرنده منافع مسلمین است و زائران کشورهای اسلامی در این کنگره، از آن منافع بهره‌مند می‌شوند؛ چنانکه آیه کریمه بیانگر است:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا  
وَ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ

هر یک از احکام و شرایع - حتی عبادی آنها - دارای آثار معیشتی، دنیوی و اقتصادی است؛ چرا که شرایع اسلامی تأمین کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت و مدافع مصالح و منافع جامعه بشری در همه ابعاد به هم پیوسته حیات است. و با توجّه به این نکته، که مصالح دنیوی و امور معیشتی ضرورتی است - که هر چند به عنوان مقدمه - برای دستیابی به سعادت ابدی بشر، غیر قابل اجتناب است، از این رو فرموده‌اند: «مَنْ لَمْ يَغَاشِ لَهٗ لَمْ يَمُوتْ».

این ویژگی؛ یعنی «عنایت به معیشت و اقتصاد جامعه اسلامی در حج»، به دلیل جهانشمولی‌اش، بیشتر

عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا  
اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا  
رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَ  
أَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»<sup>۱</sup>

«در میان مردم آهنگ حج را صلاد ده تا  
پیاده یا سواره، بر شتران لاغر  
(رھوار) از سرزمین‌های دور به سوی  
تو آیند و شاهد منافع خود باشند و در  
روزهای معین خدا را یاد کنند که آنان  
را از گوشت حیوانات روزی داده  
است. پس بخورید از آنها و به  
مستمندان نیازمند بخورانید.»

این آیات، به نکاتی در فلسفه حج  
اشاره دارد:

- یاد خدا کردن و روحیه ایمانی و  
معنوی را تقویت نمودن.

- شاهد منافع خود بودن که به دلیل  
اطلاق و عدم تعقید به قید خاص، شامل  
منافع مادی و معنوی است و منافع  
اقتصادی را نیز شامل می‌شود.

- متعاقب آن، از گوشت قربانی و  
خوردن و خوراندن و اطعام به مستمندان  
سخن گفته است.

ابن عباس در تفسیر آیه کریمه  
می‌گوید:

«منافع دنیا و الآخرة، أمّا منافع

الآخرة فرضوان الله تعالى، وأمّا منافع  
الدنيا فما يصيبون من منافع البدن  
والذبائح والتجارات»<sup>۲</sup>

«منافع یاد شده در آیه؛ عبارت است از  
منافع دنیا و آخرت؛ منافع آخرت  
خشنودی خداوند است و منافع دنیا آن  
چیزی است که مردم از گوشت قربانی  
و تجارت به دست می‌آورند.»

همانگونه که آیه کریمه: «لَيْسَ  
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ  
رَبِّكُمْ...»<sup>۳</sup> بیانگر است، متعاقب توصیه به  
تقوا به عنوان ره توشه آخرت در این سفر  
روحانی در آیه قبل، به حج‌گزاران تذکر  
می‌دهد که ضمن انجام عبادت و ذکر خدا  
و تحصیل ره توشه تقوا مانعی وجود  
ندارد که از منافع اقتصادی و معیشتی نیز  
بهره گیرند.

مرحوم طبرسی گوید: مفاد این آیه  
رخصت دادن به کسب و تجارت، پس از  
انجام مناسک حج است و این در روایات  
ائمه معصوم علیهم‌السلام آمده است.<sup>۴</sup>

و نیز عیاشی از امام صادق علیه‌السلام در  
تفسیر آیه فوق چنین روایت کرده است:

«يَعْنِي: الرَّزْقَ إِذَا أَحَلَّ الرَّجُلُ مِنْ  
إِحْرَامِهِ وَ قَضَىٰ نُسُكَهُ فَلْيَسْتَرِ وَ لْيُبِعْ



مِقَات

فِي الْمَوْسِمِ».<sup>۵</sup>

مقصود از طلب فضل خداوند، تحصیل روزی است، هنگامی که شخص از احرام خارج شد و اعمال حج را به پایان برد، در موسم به خرید و فروش بپردازد.

شایان گفتن است: از همان آغاز که ام‌القرای توحید تأسیس شد در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که ضمن نیایش با خدای خود گفت: «...وَ ارزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»<sup>۶</sup> و بدین گونه از خداوند خواست خاندان خود و ساکنان این سرزمین مقدّس را از ثمرات روزی دهد و در آن بیابان خشک و سوزان، نعمت‌های خویش را ارزانی دارد تا آنان سپاسگوی حقّ باشند. و از اینجا استفاده می‌شود که مسأله رزق و معیشت در سرزمین حرم و جوار کعبه نیز جایگاه مهمّ خود را در حیات مادّی و معنوی امتّ موحد دارد و حضرت خلیل آن را در دعای خود منظور داشته است. و چنین شد و اراده خداوندی بر این تعلق گرفت که آن وادی بی حاصل و بی آب و علف همیشه آباد و پر رونق باشد و از نعمت‌های فراوان برخوردار گردد. قرآن از این عنایت خداوندی که همواره

استمرار داشته و خواهد داشت، بدینگونه سخن می‌گوید: «أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِبُنِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>۷</sup> «آیا حرم امنی در اختیار آنان ننهادیم که همه نوع ثمرات و کالاهای بدان سوی برده می‌شود.» و گرنه چگونه باور کردنی است شهری که در میان سنگ‌های سخت و صخره‌های سیاه و کوه‌های دست اندر گریبان محاصره شده بتواند باراننداز ارزاق و کالاهای گوناگون از سراسر جهان باشد.

### تلفیق دنیا و آخرت

در پاسخ به این پرسش که اگر حج یک عبادت و سیر و سفر الی الله است، چگونه می‌توان مقاصد مادّی را در آن جای داد؟ باید گفت: هرگاه دنیا با آخرت هماهنگ و در جهت «رضای حقّ» و «مصلحت خلق» باشد، در بینش اسلامی نه تنها مذموم و نکوهیده نیست بلکه مطلوب و ضروری است. شریعت اسلام آمیزه‌ای است از تکالیف و احکامی که «معاش» و «معاد» را ملحوظ داشته، باملاحظه این نکته که معیشت مقدمه سعادت آخرت است. در حج نیز مقاصد دنیوی و اخروی با همین فلسفه لحاظ

شده است و بلکه عنایت به مسائل معیشتی، بازرگانی و اقتصادی در حج، پررنگ تر از دیگر احکام شریعت به چشم می خورد و همانگونه که ملاحظه می کنیم و صراحتاً در آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است.

پیامبر خدا ﷺ می فرماید:

«مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلْيُؤْمِّمْ هَذَا الْبَيْتَ».<sup>۸</sup>

«کسی که خواهان دنیا و آخرت است، باید آهنگ این خانه کند.»

و نیز می فرماید: «حُجُّوا تَسْتَعْتُوا»؛<sup>۹</sup> «حج به جای آورید تا بی نیاز گردید.» شاید رمز و نکته کلام نبوی این باشد که: اصولاً حج بار مالی قابل توجهی را می طلبد و افزون بر آن، مشکلات را در بردارد که طبیعی این سفر است و گاه می شود علاقه به ثروت و وسوسه های نفسانی و شیطانی آدمی را از بذل و خرج در این سفر دشوار باز می دارد و آنگاه خانه خدا که برای مصلحت خلق سرپا است، خلوت می شود و شکوه امت اسلامی کم رنگ می گردد.

لذا خداوند آن را با منافع دنیوی نیز همراه ساخته و وعده خیر و استغنا به

زائران داده است تا از سنگینی هزینه ها نهراستند و به هر بهایی، حج خانه خدا کنند.

در عمل و تجربه نیز چنین بوده که حج نه تنها زیان مالی به بار نیاورده، بلکه سبب توسعه رزق و استغنا و بی نیازی بوده است؛ همانگونه که در کلام گهربار پیامبر گرامی دیدیم و امام علی بن الحسین علیه السلام می فرماید:

«حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَ تَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ وَ تُكْفَوْنَ مَسْئَلَاتِ عِيَالِكُمْ».<sup>۱۰</sup>

«حج و عمره به جای آورید تا بدنهایتان سالم بماند و روزیتان گشاده گردد و مخارج خانواده تان تأمین شود.»

امیرالمؤمنین علیه السلام طی خطبه ای با اشاره به نقش حج در نفی فقر و زدودن گناه می فرماید:

«حَجُّ الْبَيْتِ وَ اعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَزْخَصَانِ الذَّنْبَ».<sup>۱۱</sup>

«حج و عمره خانه خدا فقر را از میان برمی دارد و گناهان را پاک می کند.»

جالب آنکه برخی روایات علاوه بر بیان آثار مثبت حج در تأمین حوایج مادی



میقات

و گشادگی روزی و رفع نیازمندی و فقر، به آثار منفی ترک حج نیز اشاره شده و صراحتاً بیان می‌کند که اگر کسی با داشتن توان مالی و استطاعت، این فریضه عظیم را ترک کند، باید از عواقب این گناه و تهی دستی هراسان باشد. پیامبر خدا ﷺ در خطبه الغدیر فرمود:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا».<sup>۱۲</sup>

«ای مردم، برای حج رهسپار بیت الله شوید؛ زیرا هیچ خاندانی بر آن وارد نشدند مگر آنکه بی‌نیاز گشتند و تخلف ننمودند مگر آنکه فقیر و تهی دست شدند»

از قول امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نیز در روایتی آمده است: «الْحَاجُّ لَا يَمْلِكُ أَبَدًا قُلْتُ وَ مَا الْأَمْلَاقُ؟ قَالَ: الْإِفْلَاسُ، ثُمَّ قَالَ: وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ».<sup>۱۳</sup> حج گزار هرگز تهی دست و ورشکسته نگردد.

بدین ترتیب حج افزون بر آثار معنوی، از پاداش دنیوی و نعمت‌های مادی نیز برخوردار است و بی‌نیازی و استغنا و برکت و سلامت همراه می‌آورد.

## تجارت ضمن عبادت

در سفر حج به کسب و تجارت اجازه داده شده و چنانکه اشاره کردیم فلسفه آن بالا بردن توان مالی حج گزاران و در نتیجه تقویت عموم مسلمانان از رهگذر این کنگره جهانی است و تجارت و کسب در سفر حج خود عاملی است در برگزاری این فریضه جهانشمول و تأمین معاش گروهی از زائران که اگر کسب و تجارت نکنند، قادر به تأمین هزینه سفر خود نیستند. از این رو، رخصت داده شده که زائران از سود تجارت و داد و ستد و امثال آن در چهارچوب شرع و به تناسب شئون بهره گیرند تا بدین وسیله استطاعت مالی و توان افراد بالا رفته و اجتماع حج فزونی گیرد.

معاویه بن عمار می‌گوید: از امام صادق پرسیدم کسی که به قصد تجارت رهسپار مکه می‌شود یا شتران خود را کرایه می‌دهد، حج او ناقص است یا تمام؟ حضرت در پاسخ فرمود: حج او تمام است؛ (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يَخْرُجُ فِي تِجَارَةٍ إِلَى مَكَّةَ أَوْ يَكُونُ لَهُ إِبِلٌ فَيَكْرِيهَا حَجَّتْهُ نَاقِصَةً أَمْ تَامَّةً قَالَ لَا بَلْ حَجَّتْهُ تَامَةً).<sup>۱۴</sup>

محمد بن سنان می‌گوید: امام علی

ابن موسی الرضا علیه السلام در پاسخ به سؤالاتی چند که طی نامه‌ای برای من نوشتند، از فلسفه حج نیز سخن گفتند و پس از ذکر اسرار عبادی و عرفانی و آثار معنوی و فرهنگی و تربیتی و تاریخ آن، به اقتصاد و آثار معیشتی نیز اشاره کردند. در بخشی در این نامه آمده است:

«وَمَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ... وَ مَنَفَعَةٍ مِّنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَن فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحُجُّ وَ مِمَّنْ لَمْ يَحُجَّ مِنْ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مُسْكِينٍ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهَا كَذَلِكَ...»<sup>۱۵</sup>

«یکی از علل وجوب حج منافی است که از این رهگذر به همه خلق می‌رسد، و نیز منافی است که نصیب کسانی که در شرق و غرب و خشکی و دریا هستند می‌شود؛ چه آنهایی که حج می‌گذارند و یا آنان که به حج نیامده‌اند؛ اعم از تاجر یا واردکنندگان، فروشنده یا خریدار، پیشه‌ور یا مستمند. و همچنین حج تأمین‌کننده نیازهای ساکنان اطراف و امکنه‌ای است که می‌توانند در موسم اجتماع

کنند تا بدین وسیله شاهد منافع خود باشند.»

به موجب این روایت آثار اقتصادی حج منحصر به حج‌گزاران نیست بلکه میلیون‌ها انسان که در گوشه و کنار جهان اسلام به سر می‌برند و هزاران خانواده در حرم و خارج حرم و حوالی مکه و کسانی که در اقصی نقاط، به نوعی با منافع حج سر و کار دارند از برکات حج بهره‌مند می‌شوند. از کشاورزی که محصول تولید می‌کند، هنرمندی که آثار هنری و دستی می‌آفریند، دامداری که دام می‌پرورد، راننده‌ای در حمل و نقل مشارکت دارد، بازرگانی که آذوقه و نیاز زائران را به صورت کلی و جزئی فراهم می‌سازد و سایر اصناف و اهل حرفه که در پدید آوردن امکانات این سفر سهیم‌اند، همگی از منافع حج بهره می‌برند.

در بازار اقتصادی حج میلیون‌ها انسان؛ از خرد و کلان تغذیه می‌شوند، نیاز سالانه خود را تأمین می‌کنند، حتی فقرایی که قدرت کار ندارند از احسان و انفاق حاجیان و ذبیحه زائران بهره می‌برند و اگر این امکانات و همین گوشت قربانی با برنامه‌ای دقیق پیاده می‌شد و به مصرف نیازمندان در هر شهر



مِنَار

و اقلیمی می‌رسید، هزاران تن گوشت پاک و پاکیزه قربانی به هدر نمی‌رفت و به گرسنگان دنیا می‌رسید. علاوه بر این، وجوهات شرعیه و برّیه و صدقه و انفاق، اعانه بسیار ارزشمندی برای نیازمندان خواهد بود و نیز سوغات سفر که نباید منحصر به نزدیکان و اقوام باشد بلکه سهم مساکین و محرومان نیز به گونه‌ای در آن لحاظ گردد تا از این رهگذر به آشنا و بیگانه مساعدتی هرچند اندک عاید گردد و موجب تحبیب قلوب و پیوند اجتماعی افزون باشد.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر به بیان آثار اقتصادی و معیشتی حج پرداخته و در پاسخ به هشام بن حکم که فلسفه وجوب حج را می‌پرسد، چنین می‌فرماید:

«فَجَعَلَ فِيهِ الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا وَ لِيُتَرَبِّحَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ لِيَسْتَنْفَعَ بِذَلِكَ الْمُكَارِي وَ الْجَمَالَ وَ لِيَتَعَرَفَ آثَارَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تَعَرَفَ أَخْبَارَهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَكَلَّمُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكُوا وَ خَسِرَتِ الْبِلَادُ وَ سَقَطَتِ الْجَلْبُ وَ الْأَرْيَاحُ وَ عَمِيَتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ تَقْفُوا

عَلَى ذَلِكَ...» ۱۶

«مقرر شد تا مردم از شرق و غرب به این سرزمین بیایند و یکدیگر را بشناسند و همه گروه‌ها از تجارت و حمل و نقل کالا از شهری به شهر دیگر بهره گیرند. و چارپادار و شتربان سود برند و آثار و اخبار پیامبر خدا شناخته شود و در خاطره‌ها تجدید گردد و فراموش نشود و اگر قرار بود هر جمعیتی تنها از کشورها و شهرهای خودشان و حوادث و مسائل منطقه‌ای سخن بگویند مردم نابود می‌شدند و شهرها ویران می‌گردید و بازرگانی و سود آوری تعطیل می‌شد و اخبار و حوادث در پرده ابهام می‌ماند و کسی بر آنها آگاهی نمی‌یافت.»

چنانکه ملاحظه می‌کنیم: امام صادق علیه السلام در این روایت به آثار جهانشمول حج توجه داده و مسائلی را یادآور شده‌اند:

۱- اطلاع و آگاهی از آثار پیامبر خدا که در این سرزمین پربركت پا به عرصه وجود نهاد و بزرگترین مکتب آسمانی را پی افکند و آثار جاودانش خاطره وحی و رسالت و مجاهدت‌ها را در اذهان تداعی

می‌کند که این موضوع از بعد فرهنگی جای تشریح و بیان دارد.

۲- آشنایی مسلمانان با یکدیگر در این کنگره عظیم جهانی توحید و تبادل نظر در مسائل جهانی مسلمین و خروج از حصار تنگ نژاد و سرزمین و رنگ و سایر مشخصه‌های اقلیمی و پیوستن به اقیانوس بی‌کران امت اسلامی و جهان انسانی و چنگ زدن به ریسمان الهی که جهان اسلام را به صورت یک پیکر درآورده تا در جهت حل مشکلات و دردها و رنج‌ها و رایزنی و چاره‌اندیشی پردازند - از بعد اجتماعی و سیاسی جای بحث فراوان دارد.

۳- فراگیر بودن منافع حج نسبت به عموم مسلمین و بلکه عموم مردم جهان، از حج گزار و غیر آنها که از این دریای متلاطم و چشمه فیاض، هر گروهی حسب حال و استعداد خود به نوعی بهره گیرند.

۴- تأکید بر این که مردم نباید با تنگ نظری و محدودنگری، تنها به مصالح و منافع خود و منطقه جغرافیایی خاص خود بیندیشند که این نوع تفکر، جهان را به ویرانی می‌کشد و سرنوشت انسان‌ها را تباہ می‌سازد و این با فلسفه و بینش

جهانشمول اسلام و انسان‌دوستی و نگرش فراملیتی و برون‌مرزی آن در تضاد است.

اسلام آیین بشریت است. پس در اجتماع عظیم حج باید مصالح همه انسان‌ها و همه کشورهای مدنظر قرار گیرد تا منافع آن فراگیر شود و ﴿...قِيَامًا لِلنَّاسِ...﴾ تحقق پذیرد و آبادی شهرها و حیات انسان‌ها به این است که چرخ‌های اقتصادی به گردش درآید و همه انسان‌ها از این رهگذر سود برند، فقر و تهیدستی از جامعه رخت بریندد، عمران و آبادانی بیاید و تمدن اسلامی نیرومند شود. بدین ترتیب، موسم حج، سایر کشور و انسان‌ها را نیز تغذیه می‌کند و افراد بسیاری در پرتو آن ارتزاق می‌کنند و بدین ترتیب تعاون بین‌الملل اسلامی در حج تحقق می‌پذیرد.

### مسأله جهانی شدن و جهانی سازی

از مسائلی که در عصر ما در پهنه سیاست و فرهنگ و اقتصاد مطرح است مسأله جهانی سازی و جهانی شدن است. هرچند این بحث مجال مناسب‌تر و میدانی گسترده‌تر می‌طلبد تا صاحب‌نظران و نظریه پردازان در آن به



میقات



بحث و گفتگو بنشینند اما در اینجا به تناسب موضوع و با در نظر داشتن نکات ارزشمند و شایان تأمل که در سخن امام صادق علیه السلام دیدیم با نگرشی اجمالی به موضوع، تا آنجا که به منافع حج در بعد اقتصادی مرتبط است می‌نگریم.

چنانکه اشاره شد موضوع جهانی سازی از مسائلی است که امروزه در سطح بین الملل مورد مذاکره و مشاجره است. در جهان غرب گروه هایی به نقد این اندیشه پرداخته و به مبارزه با این سیاست استعماری برخاسته‌اند، در حالی که سیاست‌های حاکم که در اندیشه کنترل و قبضه کردن توان اقتصادی و به دنبال آن سیاسی و فرهنگی همه کشورها هستند، بر آن پای می‌فشارند و آن را به عنوان راه کاری برای سلطه بیشتر جهانی خود برگزیده‌اند. چنانکه می‌دانیم: دولت آمریکا سردمدار این تفکر است، تفکر تک قطبی کردن جهان به مرکزیت غرب و سرکردگی آمریکا. روند جهانی سازی بر آن است که تا هویت و اعتبار کشورها، به ویژه جهان سوم را بیش از پیش محو و نابود سازد و وابستگی شدیدتری را پی ریزی کند. در روند جهانی سازی، نه تنها اقتصاد بلکه قومیت، ملیت، فرهنگ و

سیاست ملل، تحت سلطه لگدکوب ابرقدرت‌ها می‌شود، و این یک فاجعه بزرگ دیگر برای دولت‌ها و ملت‌های جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی است و در این طرح استکباری، جهان اسلام به دلیل ذخائر کلان طبیعی بیشتر هدف توطئه می‌باشد.

تنها راه مقابله با این سیاست استکباری وحدت امت هاست و بازیابی هویت دینی، ملی، تاریخی و تکیه بر منافع مشترک و رو آوردن به پیمان‌های منطقه‌ای در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و مشترکات دینی، و قطع وابستگی‌ها و گسستن غل و زنجیرهایی است که غرب به سرکردگی آمریکا بر کشورها نهاده است.

بنابراین جهانی سازی یک طرح استکباری است، در حالی که جهانی شدن زیر لوای توحید و وحدت امت، در فلسفه اجتماعی اسلام منظور گردیده و حج می‌تواند نقش مؤثر در تحقق آن داشته باشد.

قرآن کریم، کعبه و حج را ﴿...قِيَامًا لِلنَّاسِ...﴾؛ یعنی عامل برپایی و پایداری و استقلال مردم خوانده است. و امت اسلام با تکیه بر این ستون استوار الهی می‌تواند

دریای انسان‌های مؤمن را به یکدیگر پیوند دهد و روح واحد را بر آنها حاکم سازد. این قوام و استواری که قرآن بدان اشارت فرموده است، شامل دین و دنیای مردم می‌شود. در این خصوص روایتی است از امام صادق علیه السلام که در پاسخ به ابان ابن تغلب که معنای آیه فوق را می‌پرسد، می‌فرماید: «جَعَلَهَا اللَّهُ لِـدِينِهِمْ وَ مَعَايِشِهِمْ»؛<sup>۱۷</sup> «خداوند کعبه را قائمه‌ای برای دین مردم و معیشت و زندگی آنان قرار داد.»

بدین ترتیب حج از منظر اقتصادی و معیشتی نیز در قوام امت تأثیر به سزا دارد. با این بیان:

۱ - فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند به برگزاری این مراسم عبادی، سیاسی یاری رساند.

۲ - مردم بسیاری در پرتو حج امرار معاش می‌کنند و چرخ‌های اقتصادی به حرکت در می‌آید و عمران و آبادانی را به همراه می‌آورد.

۳ - قدرت اقتصادی مسلمانان می‌تواند در صحنه بین‌المللی، آنان را مقتدر سازد و از وابستگی و طفیلی بودن در همه زمینه‌ها برهاند.

۴ - از این رهگذر می‌توان تولید کار

و اشتغال نمود و از حجم بیکاری کاست و علاوه بر آن زمینه بسیاری از مفاسد اخلاقی را از میان برد.

۵ - حج فرصتی است که مسلمانان می‌توانند فراورده‌های صنعتی، محصولات کشاورزی و سنتی و سایر تولیدات خود را در این بازار بین‌المللی اسلامی عرضه کنند و به صورت نمایشگاه بازرگانی در معرض دید جهانیان قرار دهند و مشوق یکدیگر به تولید و تکاپوی اقتصادی باشند و با همکاری یکدیگر کشورهای اسلامی را به رشد و توسعه هدایت کنند و تبادل اطلاعات نمایند و از تجارب یکدیگر بهره‌گیرند.

### وضع کنونی بازار حرمین

با تأسف، کشورهای اسلامی از چنین فرصتی غفلت ورزیده و سرزمین وحی را با مظاهر صادرات بیگانگان پوشش داده‌اند. بازار مکه و مدینه امروزه به نمایشگاه صنعتی و تجاری غرب و شرق تبدیل شده است. در آنجا محصولات کشورهای اسلامی کمتر به چشم می‌خورد و عمده سوداگران اصلی این بازار غیر مسلمانان و حتی از دشمنان



اسلام هستند که انبوه ثروت و ارز مسلمین را به تاراج می‌برند و به کمپانی‌ها و کارخانه‌ها و جیب سرمایه داران بیگانه می‌ریزند درست همان وضعی که در کشورهای اسلامی می‌گذرد. تولیدات و صادرات خارجی بازار مسلمین را پر می‌کند و بازار تولیدات داخلی به هر دلیل کساد می‌شود و وابستگی و دنباله روی روز افزون می‌گردد. جا دارد که کشورهای اسلامی و دولت‌ها و ملت‌ها و برنامه‌ریزان اقتصاد بیدار شوند و به این امر بیندیشند و در بازار مصرف تجدید نظر کنند و تا آنجا که ممکن است از فراورده‌های خودی مصرف کنند و از تجمل و تنوع‌گرایی در مصرف به ساده زیستی و معیشت عادلانه برگردند و در بالا بردن سطح علم و هنر و حرفه و تولید بکوشند تا استقلال اقتصادی به دست آورند و بازار حج می‌تواند در این بیداری و تحوّل نقش آفرین باشد.

**تذکار چند نکته مهم**

- ۱- هدف اصلی و علت غایی در هر عبادتی - از جمله حج و عمره - همانا توجه به خدا و طلب قرب او و تحصیل

آخرت است. این مقصد اساسی را هرگز نباید با اغراض دنیوی و اهداف مادی کمرنگ ساخت. بنابراین، هرگاه از آثار مادی و کسب و تجارت و اقتصاد و معیشت سخن به میان می‌آید، جنبه آلی دارد نه استقلالی؛ زیرا در اسلام، مادیات مقدمه معنویات است و دنیا مقدمه آخرت. از این رو در روایات آمده است:

«الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ  
الْآخِرَةِ اللَّازِمُ لَهُمَا مِنْ أَضْيَافِ اللَّهِ عَزَّ  
وَجَلَّ إِنَّ أَبْقَاهُ أَبْقَاهُ وَلَا ذَنْبَ لَهُ وَإِنْ  
أَمَاتَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ». ۱۸

«حج و عمره دو بازارند از بازارهای آخرت، آن کس که به این دو تمسک جوید در زمره میهمانان خدا است او را زنده بدارد گناهی برای وی باقی نگذارد و اگر بمیراند او را در بهشت برین جای دهد.»

به همین دلیل از کسانی که حج را وسیله تفرّج و تجارت و تکدّی قرار داده‌اند نکوهش شده است. پیامبر خدا ﷺ در روایتی که از آینده روزگار خبر می‌دهد، درباره کسانی که حج را وسیله مقاصد مادی قرار داده‌اند، بالحن انتقادی فرموده است:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ  
الْمُلُوكِ نُزْهَةً وَحَجُّ الْأَعْيَاءِ تِجَارَةً وَ  
حَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً...» ۱۹

«برای مردم زمانی می‌رسد که حج  
زمامدارانشان برای تفریح و تفرّج و  
حج توانگران برای تجارت و  
زراوندوزی و حج مستمندان برای  
سؤال و تکدی‌گری است.»

در بدو امر چنین به نظر می‌رسد  
میان روایاتی که از کسب و تجارت در  
حج نکوهش کرده و روایاتی که تکسّب  
و تجارت را مجاز می‌دانند و بلکه بدان  
توصیه می‌کنند، تناقض وجود دارد. این  
نکته مورد توجه فقها و محدّثین ما بوده  
است و به حلّ آن پرداخته‌اند. محدّث  
بزرگ مرحوم شیخ حرّ عاملی در مقام  
جمع این روایات می‌گوید:

«روایت پیامبر ﷺ (که حجّ اغنیا را  
تجارت می‌داند) بر بطلان حجّ دلالت  
ندارد و در مقام نکوهش نیست بلکه  
صرفاً جنبهٔ اخباری دارد و یا در مقام  
نکوهش کسانی است که به قصد تفرّج  
و تجارت به حج می‌روند و یا بیانگر  
کراهت آمیختن سفر حجّ به تجارت و  
امثال آن می‌باشد، هر چند اعمال حجّ

در چنین وضعیتی مجزی است و با  
انجام آن تکلیف ساقط می‌شود.»

در هر حال مسلم است که هر  
عبادتی، اگر با انگیزهٔ مادی و بدون قصد  
تقرّب انجام شود، نه تأثیر معنوی دارد و  
نه مسقط تکلیف است و حج نیز چنین  
است. فلسفهٔ بنیادین حج آهنگ خدا و  
آخرت و انقطاع از خلق و پیوستن به حقّ  
است و ابراهیم‌وار از همهٔ تعلقات رهیدن  
و از زندان طبیعت خلاص شدن. بنابراین  
بر حج‌گزاران است که این سفر معنوی و  
الهی را با مقاصد دنیوی و مادی نیالیند و  
معنویت حج را کمرنگ نکنند. وظیفهٔ  
روحانیون و راهنمایان است که زائران  
خانهٔ خدا و مسافران دیار وحی را پیش از  
سفر و در سفر، به فلسفهٔ حجّ توجّه دهند  
و تفهیم کنند زائری که پس از عمری  
انتظار توفیق حجّ یا عمره به دست آورده،  
دریغ است لحظه‌های شیرین و گرانقدر  
این سفر روحانی را خرج بازار و خیابان  
و سرگرمی به داد و ستد و سود و سودا  
کند و کالایی حمل کنند و با خفت و ذلّت  
در بازارها و به شیوهٔ دوره‌گردها بفروشند!  
به خصوص آنکه برخی حرکات زنده در  
انظار حجاج کشورهای دیگر برای زائران  
ما سرشکست و موجب وهن است و



باید از آن جداً پرهیز کرد و با فروش تسبیح و زعفران و غیره حیثیت حاجیان ایرانی را لکه دار نکرد؛ زیرا آنچه در باب تجارت در حج گفته شده، خارج از این شیوه عمل است.

غرض از این تذکر این نیست که بُعد اقتصادی حج نادیده گرفته شود که مثل معروف «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد».

۲- کسب و تجارت در حج و عمره برای برخی از زائران و غیر زائران امری ضروری است که در روایات هم بدان مثال زده شده؛ زائرانی که قوام معیشت و تأمین زندگی شان به خرید و فروش و استفاده از این بازار بستگی دارد. بسیاری از زائران که در حوالی مکه و مدینه زندگی می کنند و در موسم حج حاضر می شوند، مردمی هستند فقیر و توشه سفر آنان همان است که در موسم، در خرید و فروش به دست می آورند و یا ذخیره مخارج خانواده خود در طول سال می کنند. برای آنها کسب و تجارت موضوعیت دارد و برخی رانندگانی هستند که اجیر می شوند و در ضمن خدمت به حجاج مناسک حج را نیز انجام می دهند. برخی خدمه ای هستند که

به برکت خدمت، توفیق مناسک را نیز به دست می آورند. آمار اینگونه زائران به صدها هزار بالغ می گردد و همه ساله چنین زائرانی در موسم حضور دارند. شارع مقدس اسلام راه را بر اینان نبسته علاوه بر اینکه خدمات این گروه زائران به زائران دیگر نیز در برگزاری حج و خدمات لازم کمک و یاری می رساند و در مجموع خدمات متقابل این گروه ها در سفر پر مشقت حج اجتناب ناپذیر است و منافی با عبادت و قصد تقرب هم نیست و لذا فقهای عظام در باب «حج خدمه» بابتی از فقه گشوده و مسائل آن را تبیین کرده اند و اشکالی در اعمال و مناسک این قشر از زائران وجود ندارد.

### بازار مشترک اسلامی

۳- در باب اقتصاد حج به مسأله مهمتری باید توجه کرد و آن اینکه منافع اقتصادی حج در زمان حاضر، فراتر از منافع خرد و کوچک اقتصادی است. حج موقعیتی است که به تجارت کلان و خدمات عمده دیگر نیاز دارد. که دولت ها یا تجار کشورها و شرکت ها و کارخانه ها در آن نقش دارند. اگر کالاهای عمده از کشورهای اسلامی به بازار حج و

در جهت تأمین تدارکات آن حمل و نقل گردد، تأثیر بسیار عمیقی در اقتصاد کشورهای اسلامی خواهد داشت. عمده نیاز زائران می‌تواند از کشورهای اسلامی و به وسیله شرکت‌ها و بخش‌های اقتصادی مسلمین و دولت‌های اسلامی تأمین گردد و در این صورت روا نیست کالایی که امکان تهیه آن از کشورهای اسلامی وجود دارد، از کشورهای دیگر تهیه شود. مانند گوشت و مرغ که عمدتاً (در موسم) از کشورهای غربی خریداری و مصرف می‌شود که علاوه بر جنبه اقتصادی خالی از شبهات شرعی هم نیست. اگر کشورهای اسلامی با برنامه‌ای سنجیده و حساب شده با یکدیگر همکاری داشته باشند، می‌توانند بسیاری از این نوع کالاها را خود تهیه و با آرم و نشان کشور اسلامی عرضه نمایند. در چنین صورتی است که آثار کلان اقتصادی حج در مجموعه جامعه اسلامی نمودار می‌گردد و میلیون‌ها نفر از دست‌اندرکاران تولید بهره می‌برند و توان اقتصادی مسلمین که زیربنای بسیاری از مسائل دیگر است، بالا می‌رود. تشکیل بازار مشترک اسلامی در حج بهترین فرصتی است برای کشورهای مسلمان تا

این پیوند و مشارکت اقتصادی در طول سالها پابرجا بماند و بدان وسیله با فقر و بیکاری که دو عامل عمده مفسداند مبارزه شود. تأثیر چنین پروژه‌ای بر سایر ابعاد زندگی مسلمین چون بعد فرهنگی و سیاسی غیر قابل انکار است. در عصری که دشمنان اسلام برای جهانی‌سازی کشورها با هدف وابستگی دائم ملت‌ها تلاش می‌کنند، مسلمین می‌توانند برای جهانی شدن مکتب و آرمان خود با اهداف انسانی و الهی با یک عزم عمومی گام بردارند و وحدت امت را پایه‌ریزی کنند. جمعیت‌ها و تشکلهای بین‌الملل اسلامی می‌بایست در این راستا حرکت کنند و به صرف شعار و اجلاس و تعارفات بسنده نکنند.

### قربانی از منابع اقتصادی حج

همه ساله در موسم حج میلیون‌ها رأس دام طبق سنت اسلامی و احیای خاطره ابراهیم و اسماعیل با هدف معنوی و معیشتی قربانی می‌شود. قربانی علاوه بر جنبه معنوی آن، که نمادی از فداکردن و فدا شدن در مسیر رضای الهی و وسیله تحصیل تقوا و تقرب و نزدیکی به خدا و ذبح کردن و سریریدن تعلقات مادی در



راه رسیدن به معنویت و عرفان است، آثار مادی و اقتصادی شایان توجهی را همراه دارد. اگر تنها دو میلیون دام گوسفند و گاو و شتر هر سال در منا و موسم قربانی شود و معدل گوشت خالص هر یک را ۳۰ کیلوگرم فرض کنیم این مقدار معادل شصت ملیون کیلوگرم گوشت خواهد بود و اگر هر کیلو گوشت تنها دو هزار تومان فرض شود به رقمی معادل صد و بیست میلیارد تومان خواهد رسید! چنین سرمایه عظیمی همه ساله می تواند بخش قابل توجهی از خوراک مستمندان و نیازمندان را در سراسر جهان تأمین کند. مع الأسف فلسفه قربانی در گذشته از این بابت چنانکه شایسته آن مراسم عظیم است، مورد توجه قرار نگرفته و سالیان دراز عمده این منبع پاک و مقدس اسلامی طعمه حریق گردیده و جز بخش کوچکی از آن به مصرف نرسیده است.

### اقدامات بانک توسعه اسلامی

خوشبختانه در سنوات اخیر بانک توسعه اسلامی که با سرمایه کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی تأسیس شده و جمهوری اسلامی ایران نیز عضو فعال آن می باشد، مسؤولیت

کشتارگاه های محدوده جغرافیای منا و نقاط نزدیک به آن را عهده دار گردیده و با در اختیار گرفتن کشتارگاه های تحت اختیار سازمان جهت جلوگیری از هدر رفتن گوشت قربانی اقدامات مؤثری نموده است. و سازمان حج و زیارت با هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری، تشویق حجاج ایرانی به استفاده از تسهیلات بانک جهت انجام قربانی را تجربه نمود که این تجربه در سال گذشته نتیجه بسیار خوبی داشته است؛ به طوری که تمامی گوشت های ۷۰۰۳۲ رأس گوسفند ذبیحه توسط ۸۰/۵٪ حجاج ایرانی در میان فقرا و نیازمندان توزیع شد و بر اساس هماهنگی به عمل آمده میان بانک توسعه اسلامی و کمیته امداد امام خمینی علیه السلام به زودی ۲۰/۰۰۰ لاشه گوشت قربانی جهت توزیع در میان فقرا و محرومان داخل کشور جمهوری اسلامی به ایران انتقال خواهد یافت و در سال آینده نیز این تعداد به ۷۰/۰۰۰ لاشه خواهد رسید. بدین ترتیب آرزوی دیرینه این سنت حسنه اسلامی، در حال جامه عمل پوشیدن است و مشکل تضييع قربانی مرتفع می گردد و از رهگذر حج، قشرهای وسیعی از نیازمندان جهان زیر

پوشش این منبع غذایی قرار می‌گیرند.

مشکلی که در این میان وجود دارد محدودیت زمانی و مکانی و امکانات ذبح قربانی و جمع آوری آن طی یک روز عید قربان است که از این بابت شایان ذکر است بنابه اظهار رییس بانک توسعه، حدود ۳۰۰ هزار حاجی خارجی شافعی مذهب قبل از ایام تشریق در محدوده جغرافیایی شهر مکه و شهروندان سعودی که سالانه جمعیت زیادی از حجاج را تشکیل می‌دهند و در مکه و اطراف آن قربانی می‌کنند و تعداد زیادی با گرفتن روزه از انجام قربانی معاف می‌شوند. مع الوصف رقم بسیار بالای قربانی طی یک روز و در منطقه محدود، خالی از دشواری نیست و بسیار می‌شود که زائران ایرانی که در روز عید موفق به انجام قربانی نمی‌شوند و به روز یازدهم می‌انجامد ناچارند از احرام خارج نشوند. جای آن دارد که علما و فقهای عظام نسبت به ضرورت امر ترتیب اعمال منا در این مقطع باز نگری کرده و راه‌کارهای فقهی مناسبی ارائه فرمایند تا زائران ایرانی بتوانند با آرامش کامل و بدون نگرانی اعمال خود را انجام دهند.

## روایات و فلسفه قربانی

باری فلسفه قربانی چنانکه در آیات و روایات بدان تصریح شده، اطعام مساکین و گرسنگان است همانگونه که آیه کریمه: «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ...»<sup>۲۰</sup> و آیه «فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ...»<sup>۲۱</sup> دستور می‌دهد که چون قربانی ذبح شد و بر زمین افتاد از آن بخورید و به مستمندان و فقیران و گدایان بخورانید. و روایت نبوی: «إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْأَضْحَى لِتَشْبِيعِ مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطِعُوهُمْ»<sup>۲۲</sup> «خداوند این قربانی را از آن جهت مقرر داشت تا مستمندان شما از آن به حد کافی بهره برند پس آنان را اطعام کنید.» اطعام گرسنگان را در فلسفه قربانی ملحوظ داشته، نه هدر دادن آن را. به خاطر همین حکمت تعدد قربانی نیز مطلوب است چنانکه از پیامبر ﷺ نقل شده که ۶۳ شتر به عدد سالهای عمر مبارکشان در منا با دست‌خود نحر نمودند و به علی رضی الله عنه دستور دادند شتران دیگری را قربانی کند تا به صد شتر برسد که مفهوم این روایات توسعه دادن هر چه بیشتر کمک‌های انسانی به نیازمندان از رهگذر مناسک حج است.





به طور خلاصه، قربانی سرمایه کلان و ارزشمند اقتصادی و معیشتی است برای گرسنگانی که در سراسر جهان با فقر و تهی دستی دست به گریبانند و از کمبود غذا رنج می‌برند.

### مبارزه با استثمار

نکته دیگری که در اقتصاد حج شایان تأمل است اینکه: نباید موسم حج و بازار اقتصادی آن و یا نذورات و تبرّعات و سایر منابع مالی و معیشتی به صورت ابزار ثروت‌اندوزی در دست معدودی پولدار و استثمارگر باشد. این موضوع علاوه بر آنکه در طرح‌های جامع اقتصادی اسلام همه جا نقش بنیادین ایفا می‌کند. در حج نیز به دلیل اهمیت ویژه‌اش لحاظ گردیده است. با چنین فلسفه اقتصادی است که ائمه دین علیهم‌السلام مردم را توجّه می‌دادند که هدایا و نذورات کعبه را اگر به مصرف نیازمندان نمی‌رسد و به جیب پولداران و متولیان وابسته سرازیر می‌گردد، از دادن آن خودداری کنند و اساساً نذوراتی که نه در جهت مصلحت مردم فقیر و یا مصالح اسلام است مشروعیت ندارد.

سکونی از امام صادق علیه‌السلام و آن حضرت از قول امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده که فرمود:

«لَوْ كَانَ لِي وَادِيَانِ يَسِيلَانِ ذَهَبًا وَ فِضَّةً مَا أَهْدَيْتُ إِلَى الْكَعْبَةِ شَيْئًا لِأَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْحَاجَّةِ دُونَ الْمَسَاكِينِ».<sup>۲۳</sup>

«اگر در اختیار من دو وادی باشد که سیل طلا و نقره در آن جاری شود و موج بزند، چیزی از آن را به کعبه هدیه نمی‌کنم؛ چرا که به دست پرده داران و متولیان می‌رسد نه به دست نیازمندان و فقیران.»

و نیز در روایتی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده، آمده است:

«إِنَّمَا لَا يُسْتَحَبُّ الْهَدْيُ إِلَى الْكَعْبَةِ لِأَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْحَاجَّةِ دُونَ الْمَسَاكِينِ».<sup>۲۴</sup>

«هدیه دادن قربانی برای کعبه استحباب ندارد؛ زیرا به دست پرده‌داران و نگهبانان و متولیان می‌رسد نه بیچارگان و مستمندان.»

مفهوم این روایات این است که قربانی و نذورات و هدایا و هر منفعت اقتصادی دیگر در رابطه با حج، همانا یاری رساندن به نیازمندان و زدودن فقر و گرسنگی از چهره جامعه اسلامی است و

اگر قرار باشد سود اینها به جیب ثروت‌اندوزان ریخته شود از آن باید خودداری کرد و معلوم است که در عصر امام صادق علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام تولیت کعبه در دست چه کسانی بوده است. خلفای اموی، مروانی و عباسی که نه تنها شایستگی پرده‌داری و تولیت کعبه را نداشتند؛ بلکه از آن کانون مقدس به نفع مقاصد شوم نفسانی و استثمار بی بهره

می‌گرفتند و هدایا عنوان اعانت به ظلم را داشته که در قرآن به صراحت ممنوع و حرام گردیده است. این ملاکی است که پایه‌گذاران حج به دست داده‌اند و برای همیشه باید سرمشق عمل مسلمین باشد؛ حج برای خدا، خدمات مالی برای قرب خدا و کمک به نیازمندان جامعه و مبارزه با هر نوع استبداد و استثمار و زراندوزی دشمنان مردم.



### پیانوشتها:

۱. حج: ۲۷ و ۲۸
۲. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۱۴
۳. بقره: ۹۸؛ «با کی نیست بر شما که در جستجوی فضل پروردگار خود باشید».
۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۷
۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۳۱ از تفسیر عیاشی.
۶. ابراهیم: ۳۷
۷. قصص: ۵۷
۸. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴
۹. همان، ص ۷
۱۰. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱؛ کافی، ج ۴، ص ۲۵۲
۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰
۱۲. احتجاج طبرسی، ص ۶۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷۵
۱۴. وسائل الشیعه ج ۸، ص ۴۰
۱۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۵؛ عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۹۰

١٦. علل الشرايع، صص ٤٠٥-٤٠٦
١٧. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٤١
١٨. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ١٤٤
١٩. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٤١
٢٠. حج: ٣٦
٢١. حج: ٢٧
٢٢. مناسك الحج والعمرة، ص ٢٢٦، ابن قيم الجوزية؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٠٠
٢٣. علل الشرايع، ص ٤٠٨؛ وسائل الشيعة، ج ١٣، ص ٢٥٥
٢٤. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣٥٨؛ من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ١٩٣

